

بررسی دگر دیسی ماهیت قلمرو و کنش‌گری، همگانی از شهر ایرانی - اسلامی تا شهر معاصر ایرانی

حیدر جهان‌بخش^{۱*} (نویسنده مسئول)، مرتضی لطفی پور سیاهکلرودی^۲، نجمه زکی پور^۳

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور، دانشگاه پیام نور مرکز تهران شرق، تهران، ایران
^۲ کارشناس ارشد طراحی شهری، مدرس دانشگاه پیام نور و پژوهشگر
^۳ استادیار دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

شهرهای دوره اسلامی در ایران، با تأکید بر نقش مسجد و تکوین عنصر میدان و هماهنگی این دو توانستند باندۀترین جلوه از انعکاس جهان بینی اسلامی را در قالبی کالبدی-اجتماعی به نمایش بگذارند. چنین نظامی، امکان حضور آمت واحده را در شهر و بستری مناسب برای تعامل و کنش‌گری همگانی بین آحاد مردم فراهم آورد. بعدها با گرتۀ برداری‌هایی ناصواب از نوگرایی غربی و تغییر در شکل گسترش شهرها، عناصری به ساختار شهر تحمیل شد که وجود خود را در حضور اتومبیل جستجو می‌کرد. پیامد این چرخش ناگهانی، گسستن هم پیوندی قلمرو و همگانی، تقلیل ارزش‌های فضایی-اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی و شکل‌گیری شرایطی شبه شهری بود که به شهر معاصر یاد می‌شود. این در حالی است که همان جوامعی که در عصر مدرنیته چنین نحله فکری را به جوامع شهری تزریق کردند سال‌ها بعد به ناکارآمدی و آسیب‌های اجتماعی، هویتی و معنایی آن در جوامع آگاهی یافتند و مسیر خود را به سمت و سویی دیگر پیش بردند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف شناخت تفاوت ماهوی فضاهای همگانی شهرهای ایرانی-اسلامی با شهرهای معاصر ایران و تبیین نقش فضاهای همگانی در آن تدوین شده است. لذا با تحلیلی محتوایی به تشریح مصادیق عینی هر دو نوع فضا در دو مقیاس محله و شهر پرداخته شده است. نتیجه تحقیق حاکی از وقوع دگر دیسی معناداری در شکل و محتوای فضاهای شهر در این دو دوره است و حفاظت، ارتقای کیفی و هماهنگ‌سازی فضاهای همگانی سنتی با نیازهای امروزی شهرها و ایجاد فضاهای شهری غنی را به منظور حفظ هویت شهر اسلامی-ایرانی ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی-ایرانی، شهر معاصر ایرانی، فضای شهری، زندگی جمعی، تعامل اجتماعی.

مقدمه

فضای شهری در ترکیب با تجربه حضور و استمرار آمیختگی با ساحت‌های چندگانه فضایی-زمانی، انگاره‌ای است حاصل آمده از موجودیت کالبدی و محتوایی فضا و عامل انسانی حضور مردم، که محصول آن رسیدن به مفهوم تکامل یافته مکان است. توجه به مسائل اجتماعی و هویتی زندگی در شهرهای امروز، در مورد مصادیق کالبدی آن، اهمیت بسیاری دارد. در این مقاله، تغییر صورت و ماهیت فضاهای شهری طی فرایندی معاصر که می‌توان از آن به نوعی دگربرداری یا جهش تعبیر کرد و تأثیری که این دگربرداری بر ارزش مندی مکان‌ها و نقش فضاهای شهری در تدارک بستری مناسب برای کنش‌گری اجتماعی و برخورداری از مزیت‌های حیات جمعی داشته است، صورت مسئله اصلی را تشکیل می‌دهد. توجه به چنین مسأله‌ای، نشأت گرفته از نوعی نگاه قیاسی به شرایط شهری و تنوع گونه‌های فضایی در شهرهای تاریخی ایران در دوره اسلامی است. بدین معنا، تکوین فضای شهری در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های اعتقادی، آیینی و کارکردی جوامع شهری، فرایندی بطئی و منطبق با بن‌مایه‌های تاریخی، اجتماعی و اقلیمی بوده است. برهم خوردن این فرایند و مختل شدن آن در دوران معاصر، موجب از میان رفتن اصالت کالبدی، کارکردی و معنایی فضاها و یا به تعبیر صحیح‌تر، مکان‌های مألوف شده است. شرح و بررسی تطبیقی این دگربرداری به منظور دستیابی به چارچوبی به منظور ارتقای کیفیت قلمرو همگانی و فضاهای شهری، هدف و رویکرد اصلی این مقاله است. این تحقیق چگونگی تفاوت‌های کالبدی-عملکردی فضاهای همگانی در دو دوره تاریخی کشور را به کنکاش پرداخته و در پی پاسخگویی به این سؤال است که چگونه نیازهای جمعی مردم در تکوین و شکل‌گیری قلمرو همگانی تأثیرگذار بوده است؟

رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان همواره متأثر از آموزه‌های دینی آنان است. این رفتارها در مناسبات اجتماعی ساکنان شهرها نیز تظاهر می‌یابد. گرچه نوع این تأثیرها و میزان آن در همه شهرها یکسان نیست، لکن ردیابی آن‌ها برای شناخت مشابهت‌ها و تعریف برخی الگوهای رفتاری خاص برای ساکنان شهرهای اسلامی امکان‌پذیر است. شریعت اسلام دربرگیرنده طیف بسیاری از اصول نظام اجتماعی است. این اصول در جهت انطباق زندگی مسلمانان با اهداف و پیام دین مبین تدوین شده‌اند.

پیروی از این اصول، همانند جوامع اولیه مسلمانان، سبب ایجاد محیط‌هایی هماهنگ از دو جنبه اجتماعی و فیزیکی خواهد شد و نادیده انگاشتن آن‌ها سبب تخلف از سنت شده و شرایط فیزیکی و اجتماعی زندگی مسلمانان را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. به هر روی برای تعریف، احیای و ایجاد فضاهای عمومی در شهرها، باید به موضوعاتی هم‌چون تبیین مبانی نظری برآمده از جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی، تعیین میزان

کارآیی فضاهای عمومی در دوران معاصر و بازشناسی ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی-مذهبی و کالبدی نمونه‌های تاریخی توجه داشت و در نهایت برای طراحی عالمانه و حکیمانه آن‌ها به عنوان جزء مهمی از شهر، برنامه‌ریزی کرد. طبیعی است که همه این مراحل باید در فضای فرهنگی ایرانی و جهان‌بینی اسلامی حاکم بر آن انجام شوند و استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های وارداتی نیز پس از گذر از صافی اصول و ارزش‌های ایرانی-اسلامی در فضاهای موصوف، ممکن و صحیح خواهد بود.

بر همین اساس، سعی بر آن است که مقایسه‌ای اجمالی بین ماهیت عرصه‌های تعریف‌شده برای فعالیت‌های عمومی در شهرهای ایرانی-اسلامی و شهر معاصر ایرانی انجام شود و در جمع‌بندی نهایی در خصوص ویژگی‌های هر کدام، به لحاظ ساختارهای معنایی، کالبدی و اجتماعی بررسی صورت گیرد و پیشنهادهایی ارائه خواهد شود.

طرح مسأله

در شهرهای کهن شکل گرفته بر اساس جهان‌بینی اسلامی ساکنان مسلمان، عرصه‌های همگانی شهر و معماری خاص اینبه امکان تجمع و تماس رودرویی اهل شهر را به دلیل تأکیدات فراوان اسلام بر همبستگی اجتماعی فراهم می‌کردند. معماری و شهرسازی اسلامی از این نظر که ارزش‌های معنوی و کالبدی را در یک کل همگرا ترکیب کرده است، خود را نسبت به سایر فرهنگ‌ها متمایز می‌کند.

بهره‌گیری از اصول حاکم بر آن‌ها (و نه تکرار کالبدی‌شان) می‌تواند کمک شایانی به دگرگونی وضع موجود شهرها کند و ضمن تناسب با اصول سنتی، مقتضیات زندگی مدرن را نیز تأمین نماید. چیزی که در چهره شهرهای ما کم‌رنگ شده، روابط اجتماعی سالم و حس همبستگی و هویت جمعی است. تضعیف روابط اجتماعی در اثر کیفیت نامطلوب قلمرو همگانی شهر، از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلات شهرهای معاصر است. رشد نامتعادل و ناهماهنگ شهرها که بی‌توجهی به جنبه‌ها و مسائل مختلف فردی و اجتماعی را در پی داشته، موجب بروز مشکلات اجتماعی شده است؛ از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود کمی و کیفی مراکز اجتماعی و عرصه‌های همگانی حضور مردم در شهر اشاره کرد. به طوری که این فضاها به لحاظ تعداد، موقعیت، عملکرد و کیفیت، پاسخ‌گوی نیازهای مردم نبوده و در اکثر موارد فاقد شرایط لازم برای بروز رفتارهای مناسب به عنوان قرارگاه رفتاری است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در ابتدا ضمن تشریح وضعیت قلمرو همگانی در شهرهای ایرانی در دوره‌های میانی

اسلامی، عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن را بیان می‌کند. سپس با نگاهی تحلیلی به بررسی تغییر و تحولات ایجاد شده در سیر تاریخی مورد نظر پژوهش می‌پردازد. گردآوری اطلاعات مورد نیاز از طریق کتب و اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. از این رو، بخش نخست مقاله، اصول و معیارهای تکوین ساختار مکانی و قلمرو همگانی بازخوانی می‌کند که برداشتی است از تحلیل محتوای منابع مرتبط با موضوع ارزش مندی فضاهای شهری و نقش موثر آن در ارتقای کیفی حیات مدنی شهرها. برون‌داد این بخش از پژوهش، تدوین چارچوبی الگویی متکی بر سه بخش اصلی است که می‌تواند معیارهای مقایسه تطبیقی میان شرایط و کیفیت‌های فضایی-مکانی را در بازه‌های زمانی پیش و پس از وقوع دگرگونی در شکل و محتوای فضاها و با تأکید بر گونه‌های متنوع فضایی به دست دهد. در بخش دوم، پژوهش مبتنی بر روش قیاسی و تحلیلی به پیش برده شده است. در پایان و متناسب با هدف اصلی پژوهش، بر اساس مجموعه‌ای از فرصت‌ها و پیشنهادها ممکن برای برقراری دوباره سازوکار تکوین فضاهای شهری و قلمرو همگانی متکی بر ارزش‌های برآمده از زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی و آئینی جمع‌بندی شده است.

مباحث نظری

روابط اجتماعی در اسلام

آداب اسلامی، روش‌ها و سنی که برای انتظام اجتماع و جامعه تعریف شده است. تأثیر این جهت‌گیری در مفهوم واژه «امت» تفسیر می‌شود. این مفهوم برگرفته از فرمان الهی و مأموریت تعیین شده از جانب خداوند است که قرآن بر آن تأکید شده است. انسان موجودی است که نیازمند روابط اجتماعی است و بدون حضور در اجتماع هیچ‌گاه از عهده پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع زندگی خویش برنمی‌آید. طبیعی است که پذیرفتن هر محیط و اجتماعی به معنای متعهد شدن نسبت به شرایط و مقررات ویژه آن محیط است. زندگی اجتماعی بر محور اصول و آداب و قوانین و روابطی تنظیم شده است. اسلام نیز به عنوان دینی که پاسخ‌گویی نیازهای ضروری روحی و جسمی انسان‌ها در تمام عصرها و مکان‌هاست نه تنها روابط سازنده اجتماعی را مورد تأیید قرار داده است، بلکه با پایه‌گذاری برخی از اصول در روابط اجتماعی اهمیت آن‌ها را به جامعه ایمانی گوشزد می‌کند.

از آیه‌های کریمه قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم». ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید،

به‌راستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹).

اسلام تعهد به تشکیل امت را که لازمه آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی است، تقویت می‌کند. این تعهد باعث ایجاد نوعی احساس وفاداری، همبستگی و انسجام در جامعه مبتنی بر شریعت اسلام است. قرآن مجید حاوی آیات بسیاری است که اهمیت اتحاد اجتماعی در بین مسلمانان را مطرح می‌کند (پیشین).

تعامل مستحکم اجتماعی در جوامع مسلمانان از طریق روابط نزدیک و ارتباط‌های انسانی با رعایت حقوق افراد، نمود پیدا می‌کند. این آموزه‌های دینی در شهرهای سرزمین اسلامی همگی نمود کالبدی خود را نشان داده‌اند؛ برای مثال شکل‌گیری میدانچه‌ها در محله با تقویت تعامل بین ساکنان از ارزش اجتماعی خاصی برخوردارند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مؤمنان نسبت به یکدیگر مانند آجری از ساختمان هستند، که هر آجر پشتیبان دیگری است». این حدیث بیان می‌دارد که اجتماع مذهبی و اصول ارتباطی سعی در ایجاد یک امت همگن را از طریق تعامل قوی اجتماعی در تمام سطوح اجتماع دارند (بسیم سلیم، ۱۳۸۱: ۳۸).

مفهوم فضای عمومی

از مفهوم فضای عمومی تعاریف متعددی وجود دارد. ابتدا به تفکیک «عمومی» از «خصوصی» در معنای لغوی و رسمی آن اشاره داریم. در فرهنگ معین در مقابل «عمومی» همه، همگانی و آن‌چه متعلق به همگان باشد، آمده است. در فرهنگ آکسفورد این کلمه چنین تعریف شده است: «مربوط یا متعلق به مردم به‌عنوان یک کلیت (جامعه یا ملت)» و «در دسترس مردم یا اشتراکی برای همه مردم و ارائه شده یا مرتبط با دولت محلی یا مرکزی».

اما در ادبیات شهرسازی، فضای عمومی را می‌توان با تکیه بر مفاهیم لغوی بالا و وجوه مشترک نظریه‌های متنوع صاحب‌نظران به اشکال زیر بسط داد:

۱) فضای عمومی به عنوان بستر مشترک برای فعالیت‌های کارکردی مردم و مراسم پیونددهنده اعضای جامعه چه معمول روزمره و چه رویدادهای تاریخی.

۲) صحنه‌ای که به روی آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می‌گیرد.

۳) فضای سهم با غریبه‌ها، فضای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش، فضای همزیستی مسالمت‌آمیز.

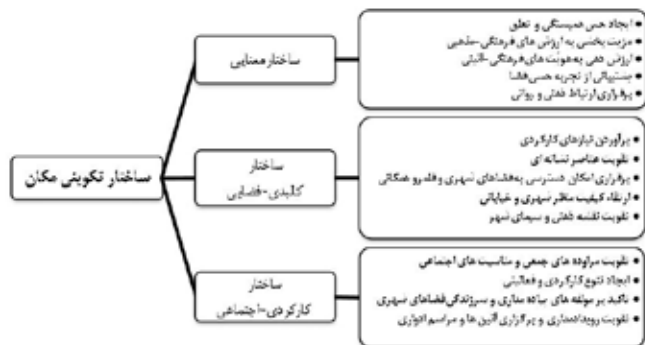
۴) فضای زندگی جمعی، فرهنگ شهری و بحث‌های روزمره.

۵) قرارگاه رفتاری با بیش‌ترین مقدار کنش‌گری همگانی.

فضاهای عمومی شهری ناشی از اندیشه‌ای اجتماعی است و پیش از آن که به وجود آمدن آن تحت تاثیر مسایل اقلیمی، فنی یا کالبدی باشد، متأثر از تعاملات اجتماعی و مشارکت مدنی مردم

دسترسی به فضا و منظر و چشم انداز جذاب از اهمیت زیادی برخوردارند.

در ساختار فعالیتی-اجتماعی، تقویت تعامل اجتماعی، برگزاری آیین‌ها و مراسم، شکل‌گیری مناسبت‌های اجتماعی، تنوع فعالیتی، سرزندگی، سهولت حضور در فضا و پیاده‌مداری از موارد اصلی و کلیدی به شمار می‌روند.



نمودار شماره ۱: ساختار تکوینی مکان بر اساس انگاره متکی بر جریان زمان‌وارگی ساخت کالبدی-کارکردی و تجربه فضایی، مأخذ: تدوین و تنظیم نگارندگان با برداشت از Punter, 1991 و Montgomery, 2003

نقش قلمروی همگانی در شهر

فضاهای جمعی از سرپناه‌های ساده انسانی در جوامع اولیه و یا آتش مقدسی که بر گرد آن جمع می‌شدند، آغاز گردید و با گسترش روابط اجتماعی، این فعالیت‌ها در انواع فضاها نظیر خانه، معبد، بازار، کوچه، میدان و ... گسترش پیدا کرد. مراکز شهر، نقاط کانونی و عمومی عرصه محلی و محل برخورد و تجمع افراد محسوب می‌شود (تیس اونس، ۱۳۸۷).

شهر نیازمند فضاهایی است که افراد را به مکث و سکون واداشته و گرد هم جمع آورد تا بتوانند از طریق گفتگو و روابط چهره‌به‌چهره به همبستگی اجتماعی دست یابند (برومند، ۱۳۷۴). شهرها از فضاهای مختلفی تشکیل می‌شوند که هر کدام از آن‌ها برای حمایت و تسهیل برخی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی و ایجاد معانی که شهروندان به آن‌ها نیاز دارند، شکل می‌گیرند. با توجه به این که هر فعالیت به فضایی با ویژگی خاص یا قرارگاه رفتاری مناسب نیاز دارد، در صورت نبود فضای مناسب، کیفیت بروز نوع فعالیت‌ها دچار مشکل شده و در نهایت موجودیت شهر از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و هویتی با اختلال روبه‌رو خواهد شد. از این رو، بررسی نیازهای انسانی، تأمین و ارتقای کیفی فضاهای مورد نیاز فعالیت‌های مختلف شهروندان مسأله‌ای مهم و قابل توجه برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری است.

فضاهای عمومی شهر نیز به عنوان قرارگاه‌های رفتاری، نقش مهمی در تأمین نیاز اجتماعی، تعامل افراد با یکدیگر و توسعه روابط فردی و اجتماعی دارند. با توجه به این برخوردها و روابط اجتماعی، نیاز به فضاهای عمومی شهر و عرصه‌های کنش‌گری

آن جامعه است که بر اثر نیروی این تعاملات فرهنگی-اجتماعی شکل می‌گیرد. فضای شهری نتیجه عملکردهای رفتار انسانی با ابعاد اجتماعی و عمومی است و الگوی «عملکرد» فعالیت‌های اجتماعی نتیجه و حاصل نظام تعاملی میان اجتماع و فرهنگ جامعه است که نیروهای به وجود آمده از تعامل میان اجتماع و فرهنگ جامعه در صورتی که فضایی مدنی موجود باشد، منجر به تولید فضای شهری می‌شوند (ستارزاده، ۱۳۸۶). این فضا بیش از هر فضای دیگری در شهر عرصه اعمال متقابل اجتماعی و غلبه هنجارها و موازین و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی بوده و نیازمند منطق‌گرایی در رفتار، کنترل اجتماعی و مشارکت مردمی است و بیش از همه چیز، عرصه بیان آزادی، تکثر، تنوع، هماهنگی و خویش‌داری اجتماعی می‌باشد.

جدول شماره ۱: پردازش چارچوب مفهومی بر پایه ساحت دوگانه فضای شهری در قالب ماهیت ظرف و مظهر

فضا (ظرف)	محتوا (مظروف)
بستر مشترک	فعالیت‌ها و آیین‌های مردمی
صحنه نمایش	زندگی جمعی
فضای همگان	سیاست، فرهنگ، دادوستد، مذهب
کانون	تعامل‌های اجتماعی
قرارگاه رفتاری	حداکثر کنش‌گری همگانی

می‌توان فضاهای عمومی را چنین تقسیم‌بندی کرد:
الف- از دیدگاه نقش در شهر: فضاهای عمومی و فراغتی فرعی (ناحیه‌ای محله‌ای)،
ب- از دیدگاه پیشینه: فضاهای عمومی و فراغتی دارای پیشینه کهن سنتی،
ج- از دیدگاه عملکرد: فضاهای عمومی اجتماعی فرهنگی،
د- از دیدگاه بنیان‌گذاری: فضاهای عمومی فراغتی خودبه‌خودی،
ه- از دیدگاه ساختار کالبدی: فضاهای عمومی تکوین یافته در طی زمان.

به طور کلی، هر فضای شهری در قالب برداشتی سه‌گانه از ساحت تکوین یافته «مکان»، دارای سه ساختار معنایی، کالبدی-فضایی و کارکردی-اجتماعی است که هر کدام از آن‌ها واجد خصوصیت‌های ویژه برای نیل تدریجی به فضای شهری مطلوب هستند (نمودار شماره ۱). در ساختار معنایی، عواملی مانند ایجاد حس همبستگی و تعلق خاطر، وجود ارزش‌های فرهنگی-مذهبی، تناسب هویتی، ارتباط‌های روانی، تجربه‌های حسی در ایجاد فضای شهری مطلوب مؤثرند.

در ساختار کالبدی-عملکردی، عواملی هم‌چون برآوردن نیاز عملکردی، کمک به خوانش و هدایت شهر، امکان تماس چهره‌به‌چهره، تناسب با عملکرد، وجود نشانه‌های کالبدی،

و از این طریق باعث تقویت روحیه همکاری و تعاون در بین افراد که در دین اسلام نیز تأکید بسیاری بر آن شده است (می شد. بنابراین، شهر سکونت گاه مناسبی را برای گروه‌های اجتماعی مختلف مردم با خاستگاه‌های متفاوت فراهم می کرده است.

از جمله دیگر فضاهای شهری در مقیاس شهر می توان به فضاهای جلوخان مسجد، صحن زیارتگاه‌ها، حیاط مساجد جامع که گذرهای شهری از درون آن عبور می کردند، حسینیه‌ها و تکایا و چارسوق بازار اشاره کرد.

در بسیاری از شهرها، حسینیه‌ها و تکیه‌ها نمودی قوی از قلمرو همگانی یا فضاهای باز شهری شناخته می شدند و علاوه بر مواقع برپایی آیین‌های عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، در سایر زمان‌ها نیز، تداعی کننده آن ایام و مراسم بوده‌اند. هم چنین، به دلیل همین موضوع، نوعی قداست مکانی-فضایی را نیز به ناظر القا می کرده‌اند. این در حالی است که وجود نشانه‌ها و لوازم برپایی مراسم (مثل مراسم نخل) در میدان یا مجاور آن، تأثیر این عملکرد را در طول سال پایدار می کرده است.

فرم و شکل میدان و سازمان‌دهی فضایی آن، الگویی از حیاط ایرانی در مقیاس شهری است. این فضا دارای ویژگی‌های درون‌گرایی است. با مطالعه بافت‌های شهرهای ایرانی، درون‌گرایی نه تنها در فضاهای مسکونی و مساجد، که در فضاهای شهری نیز مشهود است. با چنین دیدگاهی فضای درون میدان، فضای اصلی درون شهر است؛ جایگاهی امن و در بردارنده حضور مردم (پارسی، ۱۳۸۱).

مهم ترین خصوصیت میدان، توان تمرکز بخشی آن است. هر نوع تمرکزی، عاملی وحدت بخش است که عناصر و عوامل اطراف خود را به یک نقطه توجه می دهد. اجتماع در میدان، که منجر به حدوث رویدادی خاص می شود، حاوی معنا و بیانگر ارزش‌های جمعی مردم شهر است. این حضور بیانی از ساختار معنایی- اجتماعی عرصه‌های همگانی است.

فضای همگانی هم چنین عرصه مناسبی برای گذران اوقات

همگانی افزایش می یابند. از طرفی محیط کالبدی باید بتواند زمینه را برای توسعه تعاملات اجتماعی در اوقات فراغت فراهم آورد. از این رو، فضاهای شهری با داشتن ویژگی‌های خاص کالبدی می توانند قابلیت تأمین نیازهای اجتماعی افراد را داشته باشند، به طوری که با فراهم آوردن این شرایط، بروز رفتارهای مناسب اجتماعی را تسهیل کنند.

برای مطالعه در خصوص ماهیت عرصه‌های عمومی شهر اسلامی- ایرانی و شهرهای معاصر، فضاهای شهری را در هر دو دوره زمانی دسته بندی کنیم. ابتدا عرصه‌های عمومی را به لحاظ مقیاس عملکرد در دو دسته مقیاس شهر و مقیاس محله قرار داده و سپس به لحاظ شکل و مورفولوژی به دو بخش فضای شهری مرکزی و فضای شهری محوری تفکیک کرده و آن‌ها را بر اساس ساختارهای معنایی، کالبدی- عملکردی و فعالیتی- اجتماعی مورد بررسی و مقایسه قرار داده ایم.



نمودار شماره ۲: دسته بندی عرصه های عمومی در شهر به لحاظ مقیاس و مورفولوژی آن؛ مأخذ: نگارندگان

مبانی شکل گیری و اصول سازمان یابی عرصه های عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی

در مقیاس شهر

مراکز شهری (میدان‌های شهری): در گذشته، میدان‌ها معمولاً به صورت گشادگی محل تقاطع دو یا چند گذر ظاهر می شدند که بسته به اهمیت گذرها، محل‌هایی برای برپایی آیین‌ها و فعالیت‌ها بودند. میدان در مقیاس شهری به عنوان قلمرو اجتماعی به علت ایجاد فرصت مجاورت مکانی گروهی از مردم و مرکزیت کارکردی خدمات جمعی و فراهم کردن قلمروی برای جامعه‌ای همگن، نقش پررنگی در تقویت تعامل اجتماعی در سطح شهرها و حس تعلق به مکان داشت.

زمینه اصلی پیدایش و شکل گیری مفهوم میدان در شهر ایرانی- اسلامی مفهومی اجتماعی است. میدان، فضای کالبدی مناسبی را برای کنش گری همگانی فراهم می آورده است. مراکز عمومی ایران بر اثر همبستگی و یکپارچگی اجتماعی قوی بین شهروندان ایجاد



تصویر شماره ۱: سبزه میدان تهران، از نمونه‌های اولیه عکس برداری از یک فضای شهری به مثابه بستر کنش گری و تعاملات اجتماعی و آیینی؛ مأخذ: سلطان زاده، ۱۳۸۹

فراغت و استقبال از تعامل اجتماعی تصادفی پیش‌بینی نشده و نیز عرصه‌ای برای بروز آیین‌ها و مراسم است که به غنای تجربه شهری می‌افزاید. لذا حذف قلمرو همگانی از بافت شهری، هم‌معنا با حذف بسیاری از تعاملات ارزش‌مند اجتماعی است که امکان بروز آن‌ها در دیگر گونه‌های فضای شهری بسیار کم یا با افت کیفیت رخداد همراه است. در واقع نبود قلمرو همگانی به معنای حذف بخشی از زندگی جمعی است.

بازار: در گذشته، زندگی روزمره مردم با بازار گره می‌خورد و آن‌ها نه تنها مایحتاج روزانه خود را از آن تهیه می‌کردند، بلکه بازار برای آن‌ها محلی برای گردش و مواجهه با رویدادهای زندگی شهری بود. احمد اشرف معتقد است: «بازار به عنوان بستر فرهنگ شهری سنتی در ایران عمل کرده است» (اشرف، ۱۳۸۳). بازار و فضای پیرامونی آن، بستر مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی-هنری، مذهبی و تفریحی شامل شاهنامه‌خوانی، تعزیه یا شبیه‌خوانی، اجرای موسیقی، نمایش‌های تخت‌حوضی، بندبازی، معرکه‌گیری شعبده‌بازی، حضور درویش، دلچک‌ها، آتش‌بازی و مانند آن بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

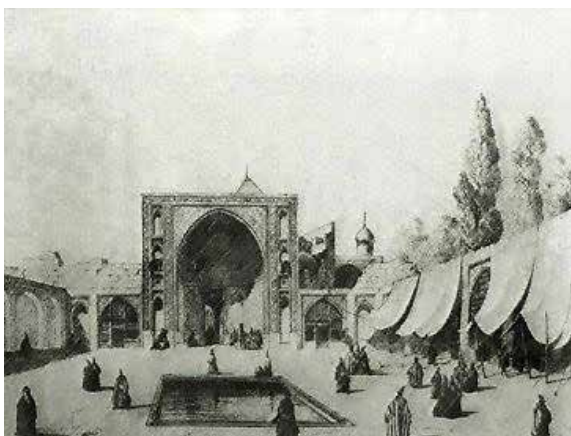
هر یک از این عملکردها که برای بازار مدنظر باشد با شدت و ضعف‌های متفاوت جلوه یا مرتبه‌ای از عملکرد اجتماعی آن‌ها بوده است. حتی عملکرد ارتباطی نیز به جهت حرکت پیاده و امکان تماس رودرروی انسان‌ها می‌تواند ناظر به مرتبه‌ای از عملکرد اجتماعی باشد. از میان این عملکردها بارزترین عملکردی که تبعات و اثرات فرهنگی و اجتماعی داشته، عملکرد مذهبی بازار



تصویر شماره ۲: تغییر و تطبیق فضای شهری با نظام اعتقادی آیینی، بازار وکیل شیراز در ایام دهه محرم و در هنگام برگزاری مراسم سوگواری ابا‌عبدالله‌الحسین (ع)؛ مأخذ: نگارندگان

بوده است که صبغه مذهبی آن را نشان می‌دهد.

بازار با راسته‌های اصلی و تیمچه‌های آن فضایی برای برپایی آیین‌های عزاداری حضرت ابا‌عبدالله‌الحسین (ع) بوده و اهل بازار در ایران همواره در دوره‌های زمانی مختلف و متمادی یکی از بنیان و برگزارکنندگان همیشگی مراسم و آیین‌های محرم بوده‌اند. **مسجد:** به دلیل نقش مهمی که این عنصر در زندگی اجتماعی دارد، از مهم‌ترین بناهای دینی شهرهای اسلامی به شمار می‌رفته است. مسجد جامع به عنوان کانون همگرایی اجتماع، علاوه بر این که از عهده وظایف دینی برمی‌آمد، کانونی برای بحث در مسائل سیاسی، مذهبی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی بود. عملکرد کلی مسجد با هدف ایجاد هماهنگی صورت می‌گیرد؛ هماهنگی مسلمانان با خدا و توازن میان کل جامعه. از دیدگاه شریعت اسلام، مسجد دارای دو مقصود جامع است: «مذهب» و «اجتماع». در هدف اجتماعی، اتحاد مسلمانان در جامعه و تقویت ارتباط اجتماعی آن‌ها مورد توجه است. علاوه بر صحن مساجد، جلوخان‌های طراحی شده در مقابل مسجد نیز محل شکل‌گیری تعامل اجتماعی می‌شد که می‌توان آن را در زمره فضاهای عمومی مدنظر قرار داد.



تصویر شماره ۳: شکل‌گیری رویدادهای انسانی در مساجد و فضای مقابل آنها؛ مأخذ: هیلن برند ۱۳۷۷

مقیاس محله

شهرهای اسلامی مجموعه‌ای از محله‌های همگن و هم‌نواخت بودند که ساکنان آن‌ها توسط زبان، مذهب، شغل، خانواده یا سابقه زندگی مشترک مرز خود را مشخص می‌کردند. ساختار محله‌ای شهر اسلامی را می‌توان به شرح زیر تصویر کرد: هر محله در شهر کوچک دارای تمام خدمات مثل مسجد، حمام، نانواپی، بازارچه و بازار بوده و عناصر و سازمان‌یافتگی مشابه کل شهر داشته است (حبیبی، ۱۳۹۰).

مرکز محله (میدان محلی یا میدانچه): محله در ساختار شهر دوره اسلامی به‌رغم تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های سرزمینی دارای دو کارکرد مشخص بوده است: از سویی به عنوان واحدی عملکردی، امکان عرضه خدمات در محدوده‌های کوچک‌تر از شهر را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر به عنوان واحدی اجتماعی

همگانی در ساخت کالبدی محله‌ها، مسیرها و گذرهای اصلی و فرعی هستند. مسیرها و گذرها یکی از اصلی‌ترین عناصر ساختاری محله‌ها را تشکیل می‌دهند و می‌توانند نقش ویژه‌ای را در تصویر ذهنی از شهر ایفا کنند.

در بافت‌های تاریخی و قدیمی، گذرهای اصلی که غالباً از دروازه تا دروازه دیگر امتداد می‌یافتند، اغلب خدمات شهری، مراکز محله‌ها، مساجد بزرگ، بازارچه‌ها و کاروان‌سراها را در حاشیه خود داشتند. گذر به واسطه شلوغی و تنوع فعالیت‌ها و قابل دسترس بودن، از اصلی‌ترین عناصر کالبدی و هویتی محله به شمار می‌آید. اغلب گذرهای موجود در بافت‌های قدیمی به صورت ارگانیک (اندامین) و اندام‌وار احداث شده‌اند. شبکه ارتباطی کوچک‌ها و گذرهای بافت قدیم در عین ظاهری اندام‌وار، از نوع نظام نشانه‌ای سلسله مراتبی تبعیت می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

معمولاً در تقاطع گذرهای اصلی که چهار سوق نامیده می‌شوند، نیازهای مردم محله تأمین می‌شود، هر محله در مقیاس کوچک خود شهری است که امکانات مورد نیاز مردم را در چهار سوق و میدان خود گرد می‌آورد و دورترین مردم به این مرکز با چند دقیقه پیاده‌روی به مسجد، حسینیه، مدرسه، حمام، آب‌انبار، میوه‌فروشی، بقالی، پینه‌دوزی و غیره دسترسی می‌یافتند.



تصویر شماره ۵: گذر تاریخی سنگ سیاه، شیراز؛

مأخذ: بازنگری طرح تفصیلی منطقه ۸ شیراز، مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۹

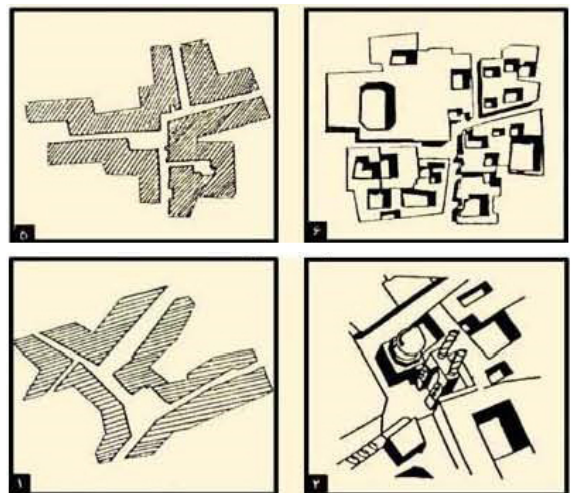
بازارچه: بازارچه‌ها در محله‌های قدیم عملکردهای چندگانه‌ای داشتند. علاوه بر ایفای نقش تجاری، به عنوان مکانی برای ایجاد تماس چهره‌به‌چهره بین ساکنان محله، تقویت تعامل اجتماعی، سرزندگی و سهولت حضور در فضا و پیاده‌مداری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بازارها علاوه بر آن که بنیادی اقتصادی، میراثی فرهنگی و نهادی اجتماعی‌اند، صحنه بروز مجموعه‌ای از زندگی روزمره، تعامل اجتماعی، برگزاری آیین‌ها و مراسم عمومی و بخش مهمی از هویت محله‌ها به حساب می‌آمدند.

امکان هم‌پیوندی و بروز ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگی، اجتماعی، نژادی، قومی و مذهبی را در محدوده‌های تعریف شده خود فراهم می‌آورد.

در هر یک از محله‌های بزرگ و متوسط شهرهای تاریخی، یک مرکز محله وجود داشت. این مراکز از نظر کالبدی و شکل به دو صورت بودند. نخست به صورت یک راسته یا گذر که کمی از گذرهای دیگر در محل استقرار فضاهای تجاری و اجتماعی عریض‌تر و دوم مقیاس‌های کوچک‌تری از میدان‌های شهری به نام میدانچه یا میدان‌های محلی وجود داشتند. این میدانچه‌ها گشادگی یا فضای بازی بودند که اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و اطراف آن‌ها را کاربری‌های خاص تجاری و خدماتی مثل بازارچه، حمام، آب‌انبار، مسجد، تکیه یا حسینیه، سقاخانه و سایر کاربری‌های مورد نیاز اهالی محله اشغال کرده بودند.

مرکز محله مهم‌ترین فضای اجتماعی و قلب هر محله محسوب می‌شود. مرکز محله‌های شهر مظهر بیش‌ترین تماس‌ها و تجمع‌های افراد هر محله است. علاوه بر آن، مکان استقرار فضاهای خدماتی مورد نیاز ساکنان محله بوده است (برومند، ۱۳۷۴).

این فضاها، مجموعه‌ای متناسب را به وجود می‌آورند که پاسخگوی بسیاری از نیازهای محله‌ها از جمله تعامل همگانی و فرهنگی و محل برگزاری آیین‌ها و مراسم و به‌طور کلی پاتوق‌های محله بودند. این فضاها، که در تعریف سازمان فضایی شهر ایفای نقش می‌کردند، امروزه با ظهور دگرگونی‌های متنوع نقش خود را از دست داده‌اند. درگذشته فضاهای شهری دارای مقیاسی انسانی از نظر نوع حرکت و فعالیت بودند، حرکت در آن‌ها با طمأنینه و آرامی انجام می‌شد و امکان توقف و تماس با دیگران بدون ایجاد مزاحمت برای سایر مردم فراهم بود (مطلبی، ۱۳۸۵).



تصویر شماره ۴: فضای عمومی شکل گرفته در مسیر گذرها و بین خانه‌ها، افزایش همبستگی بین همسایگان را به دنبال دارد؛

مأخذ: نقی‌زاده ۱۳۸۵

مسیرها و گذرها: یکی از مهم‌ترین عرصه‌های کنش‌گری

فضاهای عمومی در شهر معاصر

در مقیاس شهر

عرصه‌های عمومی مرکزی: در شهرهای امروزی، فلکه‌ها که نام میدان را بر خود نهاده‌اند، فرزند ناخلفی برای نمونه‌های پیشین شده‌اند؛ چرا که نه عرصه‌ای برای ارتباط و اختلاط عناصر پیرامون هستند و نه برای آن چه در بدنه‌ها و جداره‌ها احداث شده، برنامه ویژه‌ای وجود داشته است. این فضا، اصولاً با ماهیت میدان ایرانی که مرکز را خالی از عنصر و مکانی برای اختلاط عناصر پیرامون می‌خواست متعارض است. مدرنیته و ولع ماشینیسیم وجود گره را در شهر منحصر به فلکه‌هایی کرد که نام میدان بر آن‌ها نهاده شده است (آسیایی، ۱۳۸۹).

امروزه یکی از دلایل بی‌اقبالیت فضاهای میدان گاهی و خالی ماندن آن‌ها از رویدادها و خالی شدن ظرف میدان از مردم، نبود ابنیه‌ای در اطراف و بدنه آن‌هاست که به وحدت بخشی فضا بیانجامد. انتخاب ساختمان‌ها و یادمان‌ها و مکان‌گزینی درست آن‌ها به احراز صفت وحدت فضایی و بروز نقش ارتباط‌دهندگی عناصر منجر می‌شود. در حالی که میدان امروز، عرصه ارتباط‌دهنده و مفصل‌گونه است. اکنون مراکز خرید منفرد یا خیابان‌هایی که تعدادی از مراکز خرید بزرگ را در خود جای می‌دهند، موجب خلق فضاهای عمومی جدیدی شده‌اند. این فضاهای شهری به عنوان مکان تعامل اجتماعی به ویژه برای جوانان و نوجوانان عمل می‌کنند.

امروزه پاساژها و مراکز خرید به بخش جدایی‌ناپذیر از هویت شهری بدل شده‌اند. چنین فضاهایی صرفاً تجاری نیستند و فضاهای فرهنگی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند (برومند، ۱۳۷۴). فضاهایی نظیر رستوران، کافی شاپ و هتل‌ها، فرهنگ‌سراها، بوستان‌های شهری، مجتمع‌های تجاری، سینما و کلوب‌های ورزشی عرصه‌های عمومی شهرهای معاصر ما هستند.

این فضاهای عمومی جدید در حالی برای بسیاری از شهروندان به عنوان جایگزین فضاهای عمومی دوره‌های پیش، از جمله مرکز قدیمی شهر مطرح می‌شوند، که فاقد بسیاری از عملکردهای نمادین و فرهنگی آن هستند.

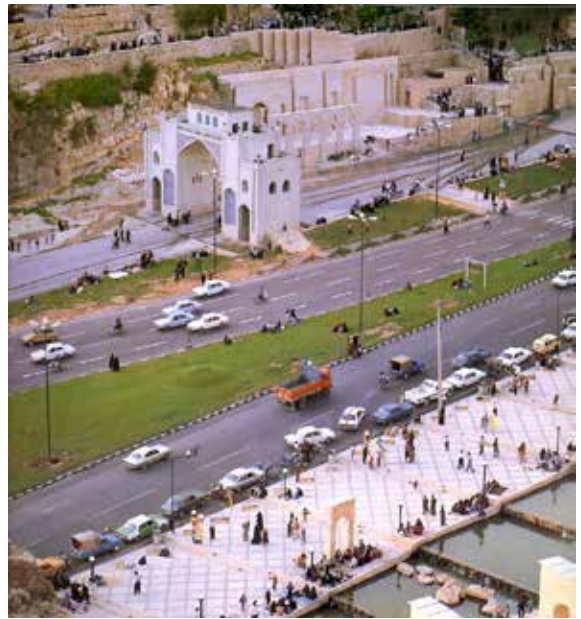
گرچه درجه‌ای از تعامل اجتماعی در این فضاها رخ می‌دهد، اما این بخش تجاری است که الگوی شکل‌گیری فضای عمومی را تنها برای مصرف کالاها و به حداکثر رساندن سود، تعیین می‌کند. فضاهای عمومی جدید، از مظاهر مدرنیسم یا به عبارت دیگر گزرت‌برداری ناصوابی از مدرنیسم محسوب می‌شوند که در خیابان‌های نوین شهر در جریان است. امروزه مصرف فرهنگی، پرسه‌زنی، تماشا و خرید در خیابان‌های جدید و ایستادن در مقابل مغازه‌های ویتروینی، فعالیت‌های مکمل هم و رفتارهای مرتبط با زندگی شهری یا فرهنگ شهری نوین به حساب می‌آیند.

میدان شهری ظرفی است که مظهرش شهروندان و وقایع شهری است. بار معنایی که کلمه میدان در شهر ایرانی واجد آن است، این فضا را عرصه‌ای برای وقوع رویداد می‌داند و رابطه ظرف و مظهر، فضا و مردم را توأمان و با هم معنا می‌بخشد. با عنایت به جایگاه میدان در بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی، واجد مراتب بودن و مرکزیت داشتن میدان اصلی در بافت شهری خصوصاً در دوران اسلامی کاملاً مشخص است. از این رو، آن چه قابل اشاره است میدان در فارسی اصولاً به مفهومی که امروزه در قالبی عامیانه به کار می‌رود (چرخه‌ای برای چرخیدن اتومبیل و متفرق شدن آن) جایگاه نداشته است. میدان گونه‌ای از فضاهای شهری و مکانی برای حادث شدن تمرکزهای عملکرد و معنایی و بروز تعامل اجتماعی و نیز ترکیب آن‌هاست. در این گونه از فضای شهری، بر خلاف تقاطع‌های ترافیکی، عرصه بر مسیر و درنگ بر حرکت غلبه دارد (برومند، ۱۳۷۴).



تصویر شماره ۶: در فلکه‌های میدان نام امروز، مرکز، مکانی برای آمیختگی فعالیت‌های موجود در بدنه‌ها نیست، بلکه جزیره‌ای در میانه است؛ تصاویری از فلکه‌های موجود در شهر شیراز؛ مأخذ: مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۸

فضاهای باز شهری طراحی شده: فضاهای باز شهری اغلب در بخش‌های جدید شهرها به صورت فضای سبز، ورزشی، تفریحی، استراحت، به منظور استفاده شهروندان در اوقات فراغت طراحی شده‌اند و تا حدی مطابق با اصول و معیارهای شهرسازی و علائق افراد و فرهنگ غالب هستند و قابلیت تأمین نیازهای جسمی و روانی مردم را دارند. این نوع فضاهای شهری که شامل بخش‌های مختلف از قبیل فضاهای عمومی و نیمه خصوصی برای ملاقات و تعامل اجتماعی افراد، فضاهای تفریحی، ورزشی و بر اساس نیازهای رده‌های مختلف سنی طراحی شده‌اند، توانسته‌اند به عنوان قرارگاه رفتاری با عملکرد و طرح خاص و مناسب خود و توسعه امور اجتماعی، فرهنگی و با فراهم آوردن شرایط آسایش جسمی و روانی افراد، هماهنگی و هم‌ساختی مناسبی بین فرد و محیط ایجاد کنند، به طوری که این ارتباط و هم‌چنین توجه به زمان استفاده از فضاهای باز شهری در طراحی موجب احساس رضایت‌مندی از فضا به ویژه از سوی جوانان و جذب آنان به این مجموعه‌ها می‌شود.



تصویر شماره ۸. یک نمونه خوب از فضای عمومی شهر طراحی برای حضور مردم در فضا، دروازه قرآن شیراز؛ مأخذ: مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۸

در مقیاس محله

کم‌اهمیت شدن میدان‌های حضور پیاده و تسخیر محله با مسیره‌ها، رونق گرفتن کردیدورهای حرکتی و فعال شدن بدنه‌های آن‌ها و انتقال فعالیت‌هایی که در مراکز محله‌ها یا میدانی شهری متمرکز بودند به خیابان‌ها، سبب می‌شود که تعادل میان حرکت و مکث در محله با استیلای ماهیت حرکتی، بر هم خورده و فضای عمومی محله به عنوان «فضای همبودی و مکانی برای ارائه نقش و آزمون واقعیت و کنکاشی در تفاوت‌ها و هویت و پهنه‌ای برای پذیرفته شدن توسط دیگران» رنگ باز (پارسی، ۱۳۸۱).

زندگی ماشینی همه جا را به تسخیر خود درآورده است. این نوع حضور در فضای شهری که به خیابان رونق داده، میدانچه‌های محلی را قربانی کرده است، انسان را از حضور در جامعه و تعامل رودررو معاف نموده و او را به موجودی گوشه‌نشین در خانه و اتومبیل خود بدل کرده است. لذا جای خالی فضاهایی چون پیاده‌راه‌ها و میدانی در محله‌های شهر، که نقش اجتماعی و هویتی دارند، به شدت احساس می‌شود.

آسیب‌شناسی عرصه‌های کنش‌گری همگانی

با توجه به تغییرهای اساسی که در گونه‌شناسی بافت و ریخت‌شناسی شهری نوین به وجود آمد، گره‌ها و تقاطع‌های شهر معاصر تفاوت بنیادینی را با گره‌های بافت تاریخی دارند. عمده گره‌های شهر معاصر یا نواحی مدرن، در محل برخورد خیابان‌های مختلف با یکدیگر به وجود می‌آیند؛ از این گره‌های شاخص شهری چهارراه‌ها و تقاطع‌های ترافیکی را می‌توان نام برد که فاقد هرگونه تعامل و تعلق اجتماعی هستند.

ورود اتومبیل به زندگی موجب کاهش پیاده‌روی و در نتیجه تغییر عملکرد خیابان از مکان ملاقات و برخورد به مسیری سریع برای عبور ماشین گردید. در حالی که در گذشته، کالبد شهر توازن و تعادل و مقیاسی انسانی داشت و معنویتی را به انسان القا می‌کرد. محیط شهری امروز القاکننده بی‌نظمی، فشار روانی، ناهماهنگی، بی‌تناسبی، زشتی و از همه بدتر سیطره مادی‌گری و کمی‌گری بر زندگی انسان است. کالبد شهر، در گذشته دارای کالبدی نجیب و آرام و متین و متوازن و هماهنگ بود که در سایه و در جوار عمارت‌های معنوی مسجد و زیارتگاه و حسینیه شکل گرفته بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵).

در شهر امروز بی‌تناسبی، بی‌هویتی، خودنمایی، تقلید، فردگرایی، مصرف‌زدگی، سعی در تشابه به بیگانه، اهتمام در تمایز از همگان، فشار روانی، آلودگی، زشتی، فقدان دوستی و آشنایی و بسیاری کمبودها که لازمه زندگی انسانی هستند، عرصه را بر انسان تنگ کرده است. در واقع همه این مشکلات ناشی از عدم تناسب برنامه‌ریزی شهر با نیازهای کنونی آن است.

مشکل‌ها و نابسامانی‌های کیفی فضاهای باز شهری را در ایران می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

- الف- عملکرد نامناسب فضاهای باز شهری موجود،
- ب- عدم توانایی فضاهای باز در ایجاد ارتباط و سازگاری با کاربران به علت بی‌توجهی به ویژگی‌ها و نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی گروه‌های استفاده‌کننده و زمان استفاده از این فضاها،
- ج- عدم توجه به شرایط جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی شهر،
- د- توجه بیش از حد به اتومبیل در شهرها به نحوی که حتی فضاهای شهری با ارزش کهن نیز امروزه در سیطره اتومبیل‌ها قرار گرفته و از تعامل اجتماعی تهی شده‌اند،

ه- ناسازگاری برخی از فضاهای باز شهری با شرایط اقلیمی مانند سرما، باد و آفتاب، هم‌چنین بی‌توجهی به مسائل فرهنگی و اجتماعی که موجب بی‌هویتی فضا و عدم دلبستگی مردم به آن فضاها می‌شود. در ساختار فعلی برنامه‌ریزی شهری، سهم مورد نظر زمین برای مسیرها، بخش مسکونی، تجاری، خدمات و... در نظر گرفته می‌شود، اما سهمی از زمین که قابل تخصیص به عرصه‌های زندگی جمعی است که دارای ماهیت سکون و درنگ و مکث هستند، مغفول مانده است. این گونه فضاها لاجرم باید در زیر مجموعه‌ای از مسیرها سرانه‌ای را به خود اختصاص دهند.



تصویر شماره ۹: فضای شهری مقابل مسجد وکیل شیراز در زمان اشغال فضای با ارزش شهری توسط اتومبیل به جای حضور گرم مردم در فضا؛ مأخذ: نگارندگان

یافته‌ها و نتایج

بررسی تطبیقی فضاهای شهری برابر اصول و معیارهای تکوین ساختار مکانی و قلمرو همگانی در بازه‌های زمانی پیش و پس از وقوع دگردیسی در شکل و محتوای فضاها و با تأکید بر گونه‌های متنوع فضایی، نشان‌دهنده کاهش عمیقی در روابط اجتماعی سالم و حس همبستگی و ضعف در هویت جمعی در شهر معاصر ایرانی است. تضعیف روابط اجتماعی در اثر کیفیت نامطلوب قلمرو همگانی شهر، از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلات شهرهای معاصر است.

برابر مطالعه‌های انجام شده یکی از مهم‌ترین ابعاد ساختار تکوینی مکان، ساختار فعالیتی - اجتماعی و ویژگی فضاهای عمومی در ایجاد فرصت‌های لازم برای تعامل اجتماعی است. هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه تعامل دارند، رابطه قوی‌تری با مکان و جامعه خود احساس می‌کنند. این عامل با تعیین میزان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و زندگی در ساعات مختلف شبانه روز قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است.

رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت‌ها و کاربری‌های موجود درون فضا و توان آن‌ها در جذب افراد و گروه‌های مختلف، مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بُعد، میزان مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیت مختلف است.

به طور کلی خلق هر فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد، مستلزم تأمین عوامل زیر است:

۱. تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا،
۲. وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخ‌گویی، راحتی و آسایش محیطی،
۳. تعامل اجتماعی.

عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه‌های عملکردی و معنایی فضاهای عمومی

از مقایسه تطبیقی کیفیت‌های فضایی-مکانی بر اساس ساختار تکوینی مکان می‌توان به اهمیت و نقش عمیق ساختارهای عملکردی و معنایی در غنی‌سازی فضاهای شهری پی‌برد. عوامل زیر در تأمین و پربارسازی این بخش از ساختار مکان اثرگذار خواهد بود:

- عناصری چون: یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل در فضا.

- فرصت‌های کالبدی مناسب برای نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا.

- فضاهای کانونی برای تجمع افراد، مثل: زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و ...

- ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی.

- کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده.

- پیش‌بینی فعالیت‌های جاذب.

- مشخصه‌های کارکردی فضاهای عمومی می‌تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها تأثیرگذار باشد. وجود فضاهای کافی برای وقوف و وسوسه‌های خاص در فضا از قبیل نمایش‌های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این دست که مردم را با یکدیگر پیوند می‌دهند، به جذابیت این فضاهای می‌افزایند.

- پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف.

- تأمین آسایش روانی و فیزیکی.

- لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا.

- حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا.

نتیجه‌گیری و بحث

زوال تدریجی مفهوم و مصداق فضاهای شهری در شهرهای معاصر ایران در اثر بی‌توجهی به جنبه‌ها و مسائل مختلف فردی و اجتماعی، موجب بروز مشکلات اجتماعی شده است، از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود کمی و کیفی مراکز اجتماعی و عرصه‌های حضور همگان در شهر به مثابه مکان‌های پایای حیات شهری و اجتماعی اشاره کرد. بررسی تطبیقی دگردیسی فضاهای

۱۴. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۹)، **فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران**، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۵. **فرهنگ آکسفورد** (۱۳۹۵)، ترجمه علی اکبر جعفرزاده، انتشارات دانشیار، تهران.
۱۶. **فرهنگ معین** (۱۳۸۹)، نشر بهزاد، تهران.
۱۷. مطلبی، قاسم (۱۳۸۵)، «رویکردی انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۵.
۱۸. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، «تأملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۵.
۱۹. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره اول، پاییز ۱۳۸۹.
۲۰. هیلن برند، روبرت (۱۳۷۷)، **معماری اسلامی**، ترجمه باقر آیت‌الله زاده، انتشارات روزنه، تهران.

- 21- Montgomery, John (2003). "Cultural Quarters as Mechanisms for Urban Regeneration. Part 1: Conceptualising Cultural Quarters", **Planning, Practice & Research** 18, No.4 (November), 293-306.
22. Punter, J. (1991). "Participation in the design of urban space", **Landscape Design**, vol. 200, pp. 24-27.

شهری نشان می‌دهد که با وقوع دگردیسی در فرم و محتوا، گونه‌های متنوع فضایی، به لحاظ تعداد، موقعیت، عملکرد و کیفیت، پاسخ‌گوی نیازهای مردم نبوده و در بیش‌تر موارد فاقد شرایط لازم برای بروز رفتارهای مناسب به عنوان قرارگاه رفتاری است.

از بررسی حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که مجموعه‌ای از فرصت‌ها و پیشنهادها ممکن برای برقراری دوباره سازوکار تکوین فضاهای شهری و قلمرو همگانی متکی بر ارزش‌های برآمده از پیش‌زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی و آیینی قابل ارائه است.

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده و با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه دست یافت که ارتباط دوسویه ای بین همبستگی در تعاملات اجتماعی مردم، پویایی و حضور گروه‌های مختلف مردم در جامعه و تکوین و شکل‌گیری کالبدی و تقویت نقش عرصه‌های همگانی در ساختار شهری وجود داشته و اثر تقویتی و تضعیفی بر هم دارند.

حفظ و بهبود وضعیت فضاهای باز سنتی به منظور حفظ هویت شهری و هماهنگ‌سازی آن‌ها با نیازهای امروزی از ضرورت‌های شهرهای ایرانی است. طراحی، ایجاد و ارتقای کیفی فضاهای باز شهری بر اساس ضوابط طراحی و نیازهای جسمی و روانی همه اقشار جامعه و توجه به ایجاد فضاهای باز شهری مناسب و با هویت از لحاظ درجه محصوریت، فرم مناسب، بافت و مصالح، المان‌ها و مبلمان مناسب باید در دستور کار برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. آسیابی، محمد (۱۳۸۹)، **میادین شهری معنا و مفهوم تا واقعیت آن در شهرهای ایرانی**، انتشارات طحان، تهران.
۳. اخوت، هانیه؛ الماسی فر، نینا و بمانیان محمدرضا (۱۳۸۹)، **معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی**، انتشارات هله، تهران.
۴. اشرف، احمد (۱۳۸۳)، «ویژگی‌های تاریخ شهر نشینی در ایران: دوره اسلامی، مجله نامه علوم اجتماعی»، **مجله علوم اجتماعی و تعاون**، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳.
۵. مهندسین مشاور پردازاز (۱۳۸۹)، **بازنگری طرح تفصیلی منطقه ۸ شیراز**.
۷. مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۸۸)، **بازنگری طرح جامع شیراز**.
۸. برومند، اسفندیار (۱۳۷۴)، «میدان فضای شهری گمشده در شهرسازی امروز ایران»، **مجموعه مقالات ارگ**، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸، سازمان میراث فرهنگی.
۹. بسیم سلیم، حکیم (۱۳۸۱)، **شهرهای عربی اسلامی اصول ساختمانی و شهرسازی**، ترجمه محمد حسین ملک احمدی، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران.
۱۰. پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «شناخت محتوای فضای شهری»، **فصلنامه هنرهای زیبا**، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۱، تهران.
۱۱. تییس اونس، توماس (۱۳۸۷)، **گونه‌شناسی فضا در شهرسازی**، ترجمه مهشید شکوهی، دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۰)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. ستارزاده، داریوش (۱۳۸۶)، **تأثیر تجدید در تحول شکل‌گیری فضاهای شهری ایران**، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

